

اوضاع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نجف اشرف در مطبوعات فارسی

(سیری در اسناد و مدارک و گزارش‌های کتاب اخبار نجف)

چکیده

نجف اشرف از روزگار شیخ طوسی تا به امروز، یکی از عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی سرزمین‌های اسلامی بوده و همواره مراجع تقلید شیعه و علمای این شهر، نقش ارزنده‌ای در جهان اسلام داشته‌اند. پیوند علمای این شهر با سرزمین‌های دیگر نیز از طریق مقلدان، زائران و نایبان آنان برقرار بوده است. نشریات نیز در آن سال‌ها سهم بسزایی در گسترش فتوای علمای و ارتقای بینش اجتماعی مردم در کسب اخبار مستند، انتشار تصاویر خطوط و فتاوا و پیشگیری از شایعات و اخبار شفاهی داشتند.

کتاب اخبار نجف در دو جلد، بازتاب اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهر نجف اشرف در مطبوعات فارسی داخل و خارج از ایران است. این کتاب، آینه تمام‌نمای اوضاع اجتماعی نجف اشرف و نقش علمای حوزه علمیه این شهر در مناسبات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوران معاصر است و مطالب آن بر اساس اسناد و مدارک موجود گردآوری شده است.

این نوشتار، ضمن معرفی هر دو جلد این کتاب ارزشمند، مطالب هر جلد را در چند محور برشمرده در هر محور، بخش‌هایی از این کتاب و منابع دیگر را به عنوان شاهد مثال آورده است.

واژگان کلیدی: نجف اشرف، مطبوعات فارسی، مراجع تقلید، اخبار نجف.

ضرورت و اهمیت این پژوهش

کتاب «اخبار نجف؛ نجف در اسناد فارسی» اثری است که در دو مجلد و به قطع وزیری در سال ۱۳۹۴ش توسط مؤسسه نشر شهر و به سفارش معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، به چاپ رسیده است. در جلد اول که در ۶۰۲ صفحه تدوین گردیده، بعد از مقدمه و پیش‌گفتار، گزارش‌های نشریات ایران در دو بخش قابل تفکیک: مطبوعات ایران و مطبوعاتی که در خارج از ایران انتشار می‌یافته‌اند، درج گردیده است که مضامین متنوعی در ارتباط با شهر مقدس نجف اشرف را دربرمی‌گیرد. نمایه اشخاص، اماکن، متفرقه، انجمن‌ها، فرق و مذاهب و عشایر، امراض و جرایم از ضمایم این جلد از کتاب می‌باشد. در مقدمه مجلد اول که به اهتمام آقایان سید علی موجانی، سید عمادالدین خاتمی و نسیم مقرب، زیر نظر سید محمدصادق خرازی و میثم امرودی فراهم گردیده است، مؤلفان در ضرورت انجام این پژوهش نوشته‌اند:

سازمان کنفرانس اسلامی سال ۲۰۱۲م / ۱۳۹۰ش را به معرفی میراث جاویدان شهر نجف اختصاص داده و این دیار به عنوان پایتخت فرهنگی دنیای اسلام برگزیده شده است. گرچه نجف با مناطق پیرامون عراق پیوستگی عمیق و دیرپا دارد، اما پیوند ایران با این شهر به سبب یکپارچگی‌های سیاسی در ادوار تاریخی و همبستگی اجتماعی بسی بیشتر است. شهرداری تهران به نمایندگی کلان‌شهر تهران و به عنوان یکی از پایتخت‌های جهان اسلام برای ادای دین تاریخی خود به نجف اشرف بر

آن گردید تا برنامه‌ای جامع را به انجام برساند. از این رو معاونت محترم اجتماعی - فرهنگی شهرداری تهران (دکتر محمدهادی ایازی) تدوین اثری مستقل در زمینه تاریخ معاصر نجف را به ما پیشنهاد داد. اثر حاضر، حاصل مطالعه و بررسی گروهی، برای گردآوری اخبار متعدد و حتی گاه مشابه اما به بیان مختلف است که مطالعه آن در کنار بررسی اسناد و مدارک دیگر می‌تواند سودمند باشد.

نجف از زمان حضور شیخ طوسی تا عصر حاضر نقش شاخص و تأثیرگذاری در گسترش و تثبیت تشیع داشته است. حوزه این شهر در ادوار گوناگون محل بحث و درس عالمانی بوده است که بر پایه فقه امامیه به تبادل اندیشه و نیز تفحص در ادله فقهی اشتغال داشته‌اند. البته این مکتب علمی پربار به برکت همجواری با بارگاه مقدس علوی رونق یافت و امنیت این دیار در کانون توجه حکام، فرمانروایان و دیگر شخصیت‌های تأثیرگذار قرار گرفت. توجهی که صرفاً به عمران و آبادانی حرم مطهر منجر نگردید؛ بلکه اسباب توسعه شهر را فراهم ساخت. رهبران مذهبی، مراجع تقلید، مدرسان و طلاب اگرچه روزگار را به بحث، درس، عبادت و تألیف می‌گذرانند، در برابر واقعیت‌های اجتماعی، اهتمام می‌ورزیدند. آن‌گاه که نجف در معرض یورش فرقه منحرف وهابی قرار گرفت، آیت‌الله شیخ جعفر کاشف الغطاء در رأس طلاب، دفاع از باروی شهر را بر جلوس در مدرس خویش ترجیح داد و قریب چهار ماه به حفاظت از شهر پرداخت و در حمله دوم وهابیان فتوایی در باب وجوب دفاع صادر کرد و از علمای دیگر یاری خواست. برخی آغاز این رویداد را ۱۲۱۴ ق ثبت کرده‌اند.^۱

در گزارشی دیگر همین عالم عامل و فقیه محقق چون از تبعات جدال ناخواسته دولت ایران و امپراتوری عثمانی در پی درگیری مریوان آگاه گردید، از نجف راهی تهران شد تا به منظور برقراری صلح و امنیت بین طرفین، با کارگزاران حکومت قاجاریه مذاکراتی انجام دهد.^۲ مدارک، اسناد و منابع تاریخی موجود از مناسبات رهبران و زعمای حوزه نجف اشرف با اجتماع و سیاست تصویر درست و روشنی ارائه نمی‌دهد؛ از این رو قضاوت درباره

موضوع‌گیری‌های این کانون علمی و دینی در دو قرن اخیر که اهتمام افزون‌تری در خصوص تدوین اخبار و اسناد صورت گرفته، تنها بر اساس پژوهش‌های حوزه نجف، اعم از تألیف یا حواشی و شروح بر متون گذشته بوده است. این آثار مؤید پیوستگی نهاد مرجعیت نجف اشرف با اشخاص و اقشار گوناگون در نقاط مختلف جهان اسلام می‌باشد.

پیوند علمای نجف با سرزمین‌های دیگر معمولاً از طریق مراجعه مقلدین، زائرین و ارتباط با نواب انجام می‌پذیرفت. بخش دیگری از شناخت محیط پیرامونی با دیگر نواحی، به زیارات ویژه ارتباط داشت؛ همچون سفر حج و اقامت کوتاه‌مدت در حرمین شریفین، زیارت عتبات مقدس در مشهد رضوی، روضات شریف مصر و سوریه و دیگر کانون‌های زیارتی. در کنار این عوامل باید از هجرت طلاب و روحانیان برای درک محضر و درس علما و مراجع بزرگ یاد کرد. تنوع طلاب مهاجر به نجف اشرف که از نقاط دوردست و گاه از آسیای جنوب و جنوب شرقی، آفریقای خاوری، قفقاز، آسیای مرکزی و خاورمیانه بدان صوب رهسپار می‌گردیدند، موجب می‌شد تا نجف در قیاس با برخی کانون‌های مهم دنیای اسلام، فضایی منحصر به فرد و ظرفیت فوق‌العاده‌ای را به خود اختصاص دهد.

با این وصف، رفته رفته نجف اشرف نقشی به مراتب فراتر از موقعیت محلی خود به دست آورد و به چنین جایگاه ممتازی ارتقا یافت. از این رو این شهر مقدس به سبب پیوستگی حیات تاریخی در طول هزار سال، نمونه و مصداق بارز شهری با تأثیرگذاری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است و بدین جهت می‌تواند در پایه‌گذاری تمدن نوین اسلامی نقش‌آفرین باشد.

پژوهش حاضر با توجه به ضرورت گردآوری و تنظیم اطلاعات در مسیر بازسازی تاریخ فراموش گردیده این شهر مهم در دنیای اسلام آغاز شد. منابع دو قرن اخیر، اعم از گزارش‌های مندرج در متون تاریخی، اسناد، سفرنامه‌ها و خاطرات، امکان تحقیقاتی این‌گونه را فراهم می‌نماید. در بررسی‌های اولیه می‌توان به مؤلفه‌های مهمی دست یافت.

با نشر مطبوعات ادواری که جایگزین سفر رجال و بزرگان و روزنامه وقایع و اخبار گردیده بود، جنبه گسترده‌تری از پوشش اخبار و حوادث در دنیای پیوسته به زبان فارسی فراهم آمد. به همان میزان که دانسته‌های اهالی، علما و مراجع نجف از تحولات جهان اسلام با مطالعه نشریاتی که دریافت می‌کردند، افزایش می‌یافت، ادبیات آنان نسبت به گذشته دگرگون می‌گردید و اندک اندک در قبال معضلات و گرفتاری‌های مسلمانان احساس مسئولیت بیشتری می‌کردند. وضع نوین در ماجرای انقلاب مشروطه به بهترین شکل بروز یافت. نشریات فارسی عهد قاجار، چه در داخل و چه در خارج ایران که حاوی گزارش‌هایی از آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران بودند، به دست شخصیت‌های برجسته نجف می‌رسید و آنان با مطالعه این جراید نسبت به حوادث ایران آگاه می‌گردیدند و نگرانی خویش را از بروز این اوضاع اعلام می‌کردند.

اگرچه در آن ایام باور و اعتقاد عموم جامعه ایران پیروی از مراجع نجف بود، اما هنوز کارگزاران قاجار با وجود تمام اخباری که در این زمینه درج می‌شد، به اهمیت این رکن مهم در میان ایرانیان توجه نداشتند و هم از این رو بود که در پی بی‌اعتنایی حاکمیت سیاسی در تهران، علمای نجف اشرف مصمم گردیدند تا مخاطبان سنتی خود را برگزیده و اساس انقلاب مشروطه را با ایشان در میان نهند. اهمیت و مزیت نشریات برای انتقال اخبار به حوزه نجف در مقایسه با تلگراف‌ها و مکاتبات افراد در آن روزگاران در درجه‌ای قرار دارد که فقیه بزرگی چون شیخ عبدالله مازندرانی تأکید نمود:

بنای احقر بر مراجعه به کلیه جراید بوده است؛ لیکن مقداری از این دو نسخه جدید را که جناب اجلّ عالی ارسال فرموده بودید، [مرور کردم] چه قدر از مقالات علمیه و فواید سیاسیّه آن مسرور گردیدم.^۳

کارکرد مهم دیگر نشریات آن سال‌ها در گسترش فتوای علما و ارتقای بینش اجتماعی مردم در کسب اخبار مستند و اجتناب از شایعات و اخبار شفاهی، انتشار تصاویر خطوط و فتاوا نیز بود. این موضوع پس از چندی توجه رهبران مذهبی نجف

را برانگیخت؛ به اندازه‌ای که نمونه‌های بسیاری از دستخط خود را توسط پیکری به نقاط گوناگون ایران می‌فرستادند تا از هرگونه سوءاستفاده جلوگیری شود.^۴ نشریاتی که به دست علمای مشهد علوی می‌رسید، کارکرد دیگری نیز برای رهبران دینی نجف اشرف داشت و آن، افشای جنایات و ستم‌های نظام مستبد نزد دیگر دول و گسترش اقتدار معنوی و اجتماعی نهاد مذهب در ایران بود؛ به گونه‌ای که ارفع الدوله برخلاف آن‌که خود را چاکر و جان‌نثار دستگاه استبداد می‌دانست، به محمدعلی شاه قاجار گوشزد نمود: «مجلس را باز و حضرات را در نجف مطلع [سازید] ... باز همان ملت هستند، همان جانفشانی‌ها را خواهند کرد.»^۵ حتی سالارخان بلوچ که در نواحی شرقی ایران علم‌طغیان برافراشته بود، خود را موظف دانست از علمای نجف اشرف تمکین نموده و برنامه خود را برای این بزرگواران تشریح کند.^۶

وقتی محمدعلی شاه مستبد بدون توجه به ضرورت تأسیس مجلس شورای ملی، اساس مشروطه را پذیرفت، مراجع نجف که می‌دانستند این حرکت شاه صرفاً فریبی برای به پایان رساندن اعتراضات گسترده مردم است، تصمیم گرفتند با صدور بیان‌نامه‌ای خطاب به سرداران ملی در نقاط گوناگون ایران و انتشار آن، شاه را به بازگشایی مجدد مجلس وادار کنند؛ یا توسط قوای ملی و مجاهدان بساط استبداد صغیر را برچینند و همزمان خود، با توجه به دخالت‌های روسیه، مہیای حرکت به سوی ایران گردیدند.^۷

مناسبات متغیر در مدارکی مستبد

جلد دوم کتاب که ۴۷۶ صفحه دارد، به کوشش سید علی موجانی و فخری سادات حیدری تنظیم گردیده است. بعد از مقدمه، کتاب دو بخش قابل تفکیک دارد: بخش اول فهرست توصیفی اسناد نجف از ص ۲۱ تا ۲۸۵ کتاب و بخش دوم حاوی منتخب اسناد نجف، از صفحه ۲۸۶ تا خاتمه کتاب است که در این مجموعه ۸۶ سند برگزیده و به همراه تصویری از اصل سند درج گردیده است. این جلد از کتاب فاقد فهرست‌های فنی

است. سید علی موجانی در معرفی این اثر می‌نویسد:

اثر حاضر، حاصل بررسی مجموعه بایگانی مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است و کوشش شده تا فهرست توصیفی اسناد مربوط به نجف اشرف شناسایی و در اختیار پژوهندگان قرار گیرد. افزون بر این، منتخبی از اسناد و مدارک در فصلی جداگانه به صورت کامل بازنویسی شده‌اند.^۸

از بررسی این اسناد برمی‌آید حضور ایرانیان که در عتبات عراق سابقه‌ای بس طولانی دارد، با مسائل و شرایط چندلایه‌ای پیوند داشته است:

۱. رابطه پیچیده مقولاتی چون زیارت با تجارت و مذهب؛ به ویژه که سفر یا اقامت ایرانیان در این شهرهای مقدس موجب گردش چشمگیر سرمایه در این نواحی گردیده بود.
۲. مسائل مربوط به مناسبات متغیر و پرنوسان حکام عراق عرب با دستگاه خلافت عثمانی و دوگانگی در سیاست‌های بغداد و باب‌عالی.

۳. نقش عناصر نامطلوب مانند کارگزاران و شاهزادگان فراری یا ایرانیان معارض با حکومت قاجار.^۹

۴. تشنج‌آفرینی فرقه‌هایی چون بابی‌ها، بهائیان و وهابیان.

از موضوعات مهم در روابط دو کشور عثمانی و ایران اعمال سیاست‌های خاص و گاه دخالت‌های کارگزاران امپراتوری عثمانی در اموری بود که به صورت سنتی به ایران ارتباط داشت که با ارزیابی مندرجات این اسناد، موضوعات ذیل را دربرمی‌گرفت.

۱. مسئله تعمیر بناهای زیارتی عتبات مقدس و اماکن مذهبی شیعیان در نجف اشرف به دلیل وقوع حوادث طبیعی، بی‌موالاتی و فرسایش و حتی در یک دوره به سبب یورش وهابیان به مناطق شیعی جنوب عراق، امر لازمی به نظر می‌رسید؛ اما دولت عثمانی در این دوران تاریخی، مجوزهای لازم را صادر نمی‌کرد و برای انتقال مواد و مصالح مورد نیاز، بدون گرفتن مالیات، تسهیلاتی در نظر نمی‌گرفت و گاه برای دور کردن ایران از این موضوع، بر آن می‌شد تا تعمیرات را خود بر عهده گیرد. روند حوادث اثبات کرد که این

سیاست دولت عثمانی به منظور حفظ و نگهداری اماکن مقدس و زیارتی نبود؛ بلکه قصد داشت اندک اندک از حضور ایرانیان و نقش ممتاز دولت‌های ایرانی در حفاظت و توسعه بارگاه روضه علوی بکاهد تا سرانجام اثری از آن بر جای نماند.

۲. تصرف موقوفات ایرانی عتبات مقدس، مثل مدارس آخوند ملا محمدکاظم خراسانی یا مدرسه آیت‌الله محمدکاظم یزدی.

۳. ثبت اسامی طلاب این مراکز آموزشی در دفتر اوقاف عثمانی و اعمال محدودیت نسبت به این اماکن، از دیگر سیاست‌های حکام نجف به نمایندگی از دولت عثمانی با واسطه والی بغداد بود. این روند باعث می‌گردید که علمای نجف اعتراض کنند و از دولت ایران به عنوان حامی شیعیان و اماکن مذهبی عتبات بخوانند تا در این زمینه وارد عمل شود. نمونه بارز چنین وضعی، مسئله تعمیرات در اطراف مسجد کوفه است که والی بغداد بر انجام آن اصرار داشت، اما دسترسی به حجرات اطراف این مسجد محدود می‌گردید.

۴. جلوگیری از اجرای شعائر و آئین‌های مذهبی شیعیان؛ مانند این که به مؤذن شیعی و ایرانی اجازه نمی‌دادند اذان بگویند. منع نصب برخی ادعیه در اماکن زیارتی و مقدس عتبات عراق، ضبط کتب مذهبی، دستور برگزاری عزاداری جداگانه ایرانی و عرب در دسته‌جات مراسم محرم و صفر.

۵. نابودی مستغلات و اماکن تجاری ایرانیان به بهانه توسعه معابر، خیابان‌ها و بازار. ۶. جلوگیری از عزیمت زوار ایرانی به بهانه‌های گوناگون و دریافت وجوه ویژه از زائران یا کسبه ایرانی برخلاف توافقات و معاهدات.

۷. دست‌اندازی به هدایا و نذورات حاکمان و کارگزاران ایرانی.

۸. کشتن برخی اتباع ایرانی به بهانه‌های واهی.

۹. انتشار کتب و جزوات علیه مذهب امامیه و استهزای فقه شیعه از سوی برخی افراد متعجب و جاهل.

۱۰. سیاست‌های تبعیض‌آمیز یا مداخله‌جویانه دولت عثمانی گاه چنان شدت می‌گرفت

که از صدور اوامر و تحکم به مراجع شیعی نیز امتناع نمی‌کردند. برای نمونه در صدد بودند تا از آیت‌الله میرزا محمدحسن شیرازی (متوفی ۱۳۱۲ق) التزام بگیرند که از تصرف در امور دولتی یا صدور فتوای مذهبی چشم‌پوشی نکند!^۱

در برابر این رفتار خصومت‌آمیز، افراطی و آمیخته به تعصب‌های غیرمنطقی کارگزاران دولت عثمانی، سیاست دولت ایران در این دو قرن نیز قابل تأمل می‌باشد:

۱. بخشی از فعالیت نمایندگی سیاسی - کنسولی ایران در عراق و عتبات مقدس مصرف‌رہ‌گیری تحرکات معارضان یا خنثی کردن اقدامات آنان می‌شد. یادآور می‌گردد برخی مطرودان سیاسی، حکام پیشین و پیروان فرقه بابیه به قلمرو عثمانی (در عراق) پناه برده بودند و همین مسائل اختلافاتی را میان دولت ایران و امپراتوری عثمانی به وجود آورده بود. گاه دولت عثمانی در پی فشار و اصرار دولت ایران، عناصر نامطلوب و مخرب را از عراق اخراج می‌کرد. در چنین مواردی سیاست دولت ایران با فتاوی علمای حوزه نجف هماهنگی داشت؛ همچون فتوای مراجع عظام تقلید مذکور در باب حکم به کفر و ارتداد بابی‌ها و حرمت حضور آنان در مساجد، حمام‌های عمومی، مجالس روضه و حتی امواتشان در مقابر شیعی.

۲. از دیگر تلاش‌های دیپلماتیک ایران، کوشش در جهت رفع دست‌اندازی افراد فاقد صلاحیت در امور اماکن مقدس عراق، به‌ویژه نجف اشرف بود.

۳. رفع دخالت‌های کارگزاران عثمانی در برگزاری مراسم و شعائر مذهبی شیعیان.

۴. پی‌گیری امور اتباع، زوار و تاجران ایرانی که از مأموریت‌های دشوار در روند مذاکرات با مقامات دولت عثمانی مستقر در عتبات عراق بود.

۵. برخی رویدادهای خاص از جمله: صدور فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی؛ کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار توسط میرزا رضای کرمانی که محرک اصلی وی یعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی در قلمرو دولت عثمانی به سر می‌برد؛ وقوع انقلاب مشروطه و حمایت علمای نجف از این خیزش و مخالفت آنان با دستگاه استبدادی ایران،

عواملی بود که در روابط بین ایران و دولت عثمانی نوسان‌هایی به وجود می‌آورد. در مطالعه و بررسی حوادث تاریخی عصر قاجار براساس اسنادی که در جلد دوم این اثر گزینش شده است، نقش نجف اشرف بسیار برجسته بوده و در کانون مرکزی حوادث اجتماعی و فرهنگی این دوره قرار داشته است؛ زیرا این دیار مقدس به لحاظ جغرافیایی، آخرین نقطه اتصال اماکن مذهبی شیعی در جنوب عراق و در مسیر سایر عتبات مقدس با حرمین شریفین و حجاج قرار گرفته بود. از سوی دیگر، استقرار و اسکان شمار قابل توجهی از علما، فضلا، روحانیان و طلاب علوم دینی که از نواحی گوناگون سرزمین‌های مسلمان‌نشین به جانب نجف رهسپار گردیده بودند، تأثیر این دیار را در تحولات متعدد، به مراتب وسیع‌تر از عراق و ایران نمایان می‌سازد. پیوسته کاروان‌های گسترده‌ای از زوآر، به‌ویژه شیعیان، از سراسر جهان بدین صوب هجرت می‌کردند و چنین موضوعی خود علاوه بر دل‌بستگی‌های اعتقادی، تأثیر محسوس و مشهودی بر بازرگانی و رونق اقتصادی منطقه داشته است. بنا بر برخی بررسی‌ها جمعیت کشور ایران در آن زمان به طور میانگین حدود چهار و نیم میلیون نفر بوده است. خورشید پاشا نماینده تعیین حدود مرزی دولت عثمانی اراقامی از زوآر و تجار ایرانی ارائه داده که نشان می‌دهد جمعیتی افزون بر ثلث نفوس ایران در یک دوره نسلی در ربع قرن به عتبات عراق به ویژه نجف اشرف سفر کرده بودند.^{۱۱}

مشکلات ساکنین و زایرین مقیم نجف اشرف

کنسول ایران در بغداد در شعبان ۱۳۳۶ ق درباره نجف اشرف به دربار قاجار گزارشی فرستاده است که در بخش از آن آورده است:

نجف اشرف یکی از اماکن مقدس و محل نظر کافه مسلمین است. سکنه و اهالی آن سه طبقه‌اند: طبقه اول، علمای اعلام و حجج اسلام‌اند که همه وقت مشغول اجرای وظایف شرعی خود هستند. طبقه دوم ایرانیان مقیم آنجا هستند؛ اما طبقه سوم اعرابی هستند که از قبایل مختلف و عموماً مشهور به دو طایفه (زگرد و

شِمرِد) می‌باشند و همیشه میان آنها مثل حیدری و نعمتی ضدیت و تقاضت بوده و در زد و خورد هستند، تا این اواخر که به ملاحظه پیش آمده جنگ (جهانی اول) حکومت سابق (عثمانی) قوه خود را از آن جا برداشت، اعراب آن‌جا میدان را خالی دیده، خونشان به جوش و حرکت آمده، بنای دسته‌بندی را گذارده، یاغی و عاصی شده و تصرفات بی‌جا در کلیه امور می‌نمودند و علمای اعلام و اهالی (بومی) و ایرانیان در فشار آنها بودند. حتی آنان از حاکم جدید که به میل خودشان معین شده، عدم اطاعت را پیش گرفتند؛ به طوری که اهالی عموماً از تعدیات آنان به تنگ آمده، تظلمات عدیده به حکومت جلیله بغداد نمودند.^{۱۲}

عملیات آبرسانی به نجف موضوعی است که جراید فارسی پی‌گیر آن بوده‌اند. در یکی از این گزارش‌ها می‌خوانیم:

همه ساله از ممالک ایران، هندوستان و سایر بلاد اسلامی صدهزاران زوآر به نجف اشرف می‌آیند؛ چون آب خوردنی نجف اشرف منحصر به چاه‌ها بود، از این رو سکنه و زوآر را خوش نمی‌گذشت. لهذا تاکنون بسیاری از اعظام و مردمان بزرگ در خصوص آوردن آب جاری به قصبه مقدسه مذکوره اقدامات مجدّانه به کار بُرده و جان‌فشانی‌های فوق‌العاده به عمل آوردند، تا آن که چندی پیش از اهتمام اعضای کمیسیون عالی اراضی سنّیه از نهر رمل که تا نجف اشرف مسافت بعیدی است، رشته بزرگی جدا و به سوی آن جاری شد.^{۱۳}

در نشریه اختر در خصوص پیشرفت عملیات آبرسانی مطالبه چنین آمده است:

از قراری که آگاهی حاصل نمودیم، عملیات کانال آب گوارایی که از فرات به نجف اشرف بایستی آورده شود، نزدیک به ختام بوده است. مسافت و طول این کانال ۲۲ کیلومتر است. به سبب جاری شدن این آب بیش از پیش به آبادی آن دیار خواهد افزود.^{۱۴}

همین نشریه یادآور گردیده است:

یکی از اجلّه علما و فضلا به اداره اطلاع می‌دهد، به درجه‌ای در این ایام [جمادی الثانی ۱۳۲۱ هجری قمری] بر اهالی نجف اشرف سخت شده که در زمان سلف نشده بود، گرانی غایت درجه و راه معیشت بر اهل این مملکت خاصه طلاب به قدری دشوار شده که از حدّ بیان خارج است^{۱۵}

اما نشریه ثریا وضع این دیار را در اوایل سال ۱۳۲۱ق چنین وصف کرده است: چنانچه از وضع نجف بخواهید، الحمدلله از جمیع ممالک ایران بهتر و ارزاق ارزان‌تر و فراوان‌تر است و این ولایت که وادی غیرذی زرع است، از برکت [بارگاه] حضرت امیر مومنان علیه السلام از جمیع مأكولات و حبوبات مملو بوده و هست. با وجود این همه جمعیت که در این ولایت موجود است از قبیل مجاورین، مسافرین، زوار، طلاب و غیره، معذک همیشه نان در بازارها فراوان و دکان‌های رزازی پر از برنج کوبیده و نکوبیده است.^{۱۶}

کارگزاران و عتبات عراق و زایرین مشاهد مقدس

تا اوایل جنگ جهانی اول، دولت عثمانی بر عراق و عتبات آن سیطره داشت. تلاش کارگزاران این امپراتوری در آن جهت بوده است که شیعیان ایرانی را از امورات اماکن مقدس و زیارتی دور نمایند و خود بر عمران و تعمیرات این بناهای متبرک نظارت نمایند. میرزا جعفرخان مشیرالدوله به دولت متبوع خود (قاجار) خبر داده است:

یک مناره روضه مطهره حضرت شاه ولایت رو به خرابی است و در سایر اماکن متبرکه عراق عراق عرب از نجف اشرف و کربلای معلی و روضه حضرت عباس علیه السلام و حرم کاظمین علیه السلام احتیاج به تعمیر دارد ... هر چه زودتر امکان دارد، اجازه تعمیرات بناها را از وکلای دولت عثمانی تحصیل نموده، بفرستید.^{۱۷}

در گزارش شعبان ۱۳۲۳ق آمده است:

از باب عالی (عثمانی) امر صادر شده تمام ایوان‌ها و صحن اماکن مشرفه را تعمیر

نمایند و فعلا مشغول مرمت یک طرف ایوان کاظمین هستند. به قراری که مأمور نجف اشرف راپورت داده، عثمانی‌ها شروع به اصلاح نواقص ایوان و صحن مطهر حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام نموده؛ از جمله طرف صحن معروف بدر (قولوق) را که نادرشاه ساخته و به اسم خود مرتسم نموده، نواقص آن را اصلاح می‌نمایند و می‌خواهند اسم نادر را اِکاشی‌ها برداشته به اسم سلطان عبدالحمید (امپراتور عثمانی) مرتسم دارند. مأمور نجف در ممانعت و عدم ممانعت تکلیف خواسته بود.^{۱۸}

از سند ذیل برمی‌آید که کارگزاران این دولت برای اهالی نجف اشرف نیز مشکلاتی به وجود می‌آورده‌اند؛ زیرا مجاورین حرم امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به آیت‌الله آقا نجفی اصفهانی نوشته‌اند:

در شوال ۱۳۱۷ق از جانب بغداد مهندسی آمد و قدری از اراضی متصل به نجف را هندسه نمود و مکان خانه‌ها و شوارع را معین کرده که اضافه به بلد نمایند و قائم مقام نجف اشرف اراضی را بین اهالی تقسیم نمود. بعد از آن که اهالی مشغول به تعمیر شدند و جمع کثیری از اهالی مقروض شده، بلکه از شدت ضیق مکان راحت باشند. در اثناء تعمیر در اواخر ذی‌حجه سال ۱۳۱۷ق منع از تعمیر از جانب ولایت بغداد رسید و تاکنون این منع به حال خود باقی است و بناها چون غالباً ناتمام است، بعضی خراب و بعضی مشرف به خرابی است حال مستدعی از مراجع و الطاف عالیه آن که رفع این غائله را به هر قسم صلاح دانند بفرمایند.^{۱۹}

مأموران دولتی عراق، از برگزاری مراسم سوگواری‌های محرم الحرام در نجف اشرف جلوگیری می‌کرده‌اند؛ چنان‌که در یکی از جراید درج گردیده است:

از قراری که آگاهی حاصل نمودیم، روز عاشورا در نجف اشرف بعضی مأمورین مانع اجرای آیین عزاداری شده، انجام کار به مجادله و منازعه منجر گشته و در این هنگام خیلی تلفات هم به وقوع است.

سپس تفصیل این ماجرا را در گزارش دیگری شرح داده است:^{۲۰}

امسال در ایام دهه عاشورا حکومت (وقت) به خلاف سنوآت سابقه، شیعیان را مانع از سینه زدن، اجتماع، کوچه گردی و نوحه خوانی گردید تا این که روز عاشورا را به شفاعت مردمان محترم اذن و اجازه داد که تنها در صحن مقدس جمع شده، نوحه خوانی کنند. به هر حال جمعیت پس از حصول فراغت از نوحه خوانی، خواستند از درب پایین پا که متصل به بازار بزرگ است بیرون شوند؛ عساکر مانع شده، چند تن را با سرنیزه تفنگ زخم دار کردند و پس از آن آشوب بلند شده، جمعیت خواست تا پیش رود که به یک بار لشکریان را حکم تیراندازی شده، در شلیک نخستین جمعی مجروح و [کشته] شدند. حکومت این جا با وجود مسلمانی، در منع اجرای این آئین تا این پایه پیش می رود و از ریختن خون های ناحق، نمی پرهیزد؛ حال آن که امروز هر ملتی در اجرای آئین خود، هر جا که باشد آزاد است.^{۲۱}

کارگزاران دولت عثمانی برای ایرانیان ساکن عتبات عراق مزاحمت هایی ایجاد نموده و در حق آنان بدرفتاری و تعدی می کردند. در مکتوبی از بغداد این موضوع مورد توجه قرار گرفته است:

از باب تعدیات عثمانی نسبت به ایرانی های ساکن عراق اظهار من الشمس است تا به حال چندین تلگراف حضرات تجار محترم ایرانی چه از نجف اشرف و کربلای معلی و بغداد و به سفیر خودشان در اسلامبول و وزارت خارجه در تهران مخابره نمودند؛ نه جواب و نه نتیجه بروز کرده و مأموران عثمانی هم اسامی ایرانی ها را در دفتر نفوس خودشان (دفاتر مالیاتی) نوشتند و تمتع صنفی را گرفته و می گیرند. در کربلا و نجف، اعانه عمله مکلفه را به قوه جبریّه گرفتند و ایرانی ها هم با وجود آن مدتی که در نجف ساکن بودند؛ قطع علاقه نموده به طرف ناصریه و اهواز رفتند و جمع کثیری بعد از زمستان حرکت خواهند کرد.^{۲۲}

مأموران گمرک عثمانی از ورود آثار شیعه به عتبات عراق توسط روحانیان و زائرین نیز جلوگیری می کرده اند. این موضوعی است که از نظر گزارشگر روزنامه اختر دور نمانده است:

مدتهاست که مأمورین گمرک در بغداد، ضمن تفحص و تجسس اسباب زوار و امتعه مترددین ایران، کتبی که طلاب و زوار با خود دارند، به بهانه و دستاویز این که از کتب شیعه است، اخذ و ضبط نموده؛ علاوه بر این، صاحب کتاب را نیز به انواع ناملازمات، ایذا و اذیت می‌نمایند. سبب این همه تعدیات و حرکات مذمومه و غیرمشروع چه خواهد بود، در حالی که در همه ممالک دولت عثمانی چندین ملل مختلف مانند یهود و نصارا و غیره متوطن و متمکن است که اغلب آنان صاحب مکاتب و معلم بوده و در ترویج دین و تدریس و تعمیم و انتشار کتب عقاید خودشان علنا سعی و جاهدند. پس چرا مأمورین دولت عثمانی آنان را از ترویج کتب خود ممانعت نمی‌نمایند؟ راستی از وضع حرکات بعضی مأمورین بغداد حیرت داریم. مردمان نادان چنان تصور دارند که با اظهار تعصب‌های جاهلی خدمت به اسلام می‌کنند، حال آن که این حرکات، برخلاف مقصود آنها نتیجه خواهد داد. هر قدر از این حرکات ابراز نمایند بر قدر و مزیت و شباغ آثار تشیع بیشتر افزوده می‌شود. تمام خیال و حرکات خود را منحصر به این کرده‌اند که در عراق سدّ راه شیوع تشیع نمایند و نمی‌بینند هیچ مطلبی را، مگر از نقطه نظر تعصب؛ چنان که تا امروز کسی از اهل تشیع را در مجلس و دوائر حکومتی نخواسته‌اند استخدام نمایند. حال آن که در این زمان شیوع تمدن و مساوات، این کار خلاف مقتضیات عدالت است. امر دین و مذهب از امور اجباری نیست و چندین صدهزار نفر در عراق، در مذهب تشیع هستند. به جای آن که آنان را دلگرم و دل‌خوش نمایند، بالعکس باعث رنجش و تنفر آنان می‌شوند.^{۳۳}

مأموران حکومت عثمانی حتی برای زوار عادی در دسر ایجاد می‌کردند. مکتوبی از ایران، در این باره، در جریده اختر درج گردیده که در بخشی از آن می‌خوانیم:

البته شما از کیفیت غدغن زوار از عزیمت عتبات عالیات اطلاع دارید. اولیای دولت ایران راضی نمی‌شوند که والی متعصبی برخلاف نیت دولت متبوعه خود و بر ضد معاملات مدینه، هرگونه بی‌عدالتی را در حق اهالی ایران که این همه

مشتاق، مَحَن را کشیده، پول‌ها صرف کرده، به زیارت اعتاب مقدسه می‌روند، روا دارد و به استبداد رأی در عراق فرمانفرما باشد. زوّار مرقد ذوالکفل (از انبیای بنی‌اسرائیل) که مرقدش در حوالی نجف اشرف است که زیارتگاه یهودان است، همچون یهودی‌های بغداد که به آن‌جا می‌روند، از گرفتن تذکره معافند، ولی هرگاه مسلمی چه سنی و شیعی که از اهل بغداد به زیارت کربلا می‌رود باید تذکره مرور بگیرد.^{۲۴}

در نشریه دیگر وضع اسف‌بارتری گزارش گردیده است:

چه عرض کنم که بر سر زوّار ایرانی از اشقیای عرب و مأمورین دولت عثمانی چه وارد می‌شود؟ خدا می‌داند مرا شرم می‌آید که این رفتارهایی را که با زائرین ایرانی می‌شود بیان نمایم. همین قدر می‌توان گفت که زمان متوکل عباسی به جان و مال رعایت دست‌اندازی می‌شد، ولی این ایام به شرف و عزّت آنان، علمای اعلام متفق الکلمه‌اند که با این بی‌اعتدالی موقتاً قَدغن در آمدن زوار لازم است.^{۲۵}

که گویا دولت ایران این‌گونه عمل می‌کند:

از جانب دولت علیّه ایران غدغن شدید و اکید شده است که زوّار را از عزیمت عتبات عالیات ممانعت نمایند. از قرار اخبار وارد تهران، سبب این غدغن به مناسبت تعدیات و اجحافات متعصبانه والی ولایت بغداد بوده و بعد از معزولیت والی ولایت مشار الیها ممانعت رفع و زوّار را مجدداً ماذونیت به عزیمت عتبات عالیات اعطاء فرموده شده است که اهالی ایران را مایه خوشحالی و نیل زیارت و اهالی عراق را موجب مزید منفعت و مسرت است.^{۲۶}

با این حال گویا بعد از مدتی سخت‌گیری‌ها دوباره آغاز می‌شود:

در نجف اشرف مأمورین به شدت عمله مکلفه از رعایای ایران می‌گیرند؛ به حدی که روزنامه بغداد عوامل حکومت (عثمانی) را نصیحت نموده که امروز وقت مدارا با مسلمانان است، نه شدت.^{۲۷}

علی‌رغم چنین تنگناهایی که کارگزاران متعصب، برای شیعیان فراهم می‌کنند از ازدحام زوّار در عتبات عالیات عراق چیزی کم نمی‌گردد. نشریه ناصری نوشته است:

قریب دو ماه است که کثرت زوّار عتبات به حدّی رسیده است که از پانزده سال قبل تاکنون (صفر ۱۳۱۲ هجری قمری) چنین ازدحامی نشده است و باعث حیرت ناظرین و تعجب عابریں است و در شهر منزلگاهی برای زوّار باقی نمانده. در خارج شهر و باغات و بیابان‌ها خیمه‌ها برپا داشته و چادرها افزاشته منزل می‌نمایند. شکر خدا را که با وجود این همه کثرت و ازدحام نفوس، آذوقه که لازم زوار است از مأكولات و غیره در کمال وفور و ارزانی با سایر لوازم حاضر و به قیمت مناسبی که به هیچ وجه باعث عسر و حرج نتواند شده، به فروش می‌رسد. الحق همین فقره از تأییدات خداوندی و تفضّلات الهی و مدد غیبی، شایسته هرگونه خشنودی خاطر قاطبه مُسلمین است.^{۲۸}

نشریه اختر نیز می‌نویسد:

امسال از ممالک ایران خیلی زوّار برای زیارت عتبات عالیات وارد عراق عرب شده است. تعدادشان از آغاز محرم الحرام تاکنون (ربیع الاول) قریب به یکصدوپنجاه هزار نفر بوده است. هرگاه هر یک از این زائرین در عراق پنج لیره خرج کند، در ظرف این چهاره (چهار ماه) هفتصدوپنجاه هزار لیره بدین وسیله از ایران نقد داخل بغداد می‌شود و این چندان سبب مزید آبادی این ملک و ثروت اهالی است. افسوس که بعضی مأمورین جزء به جای این که مقدم این مهمانان را که برای خرج کردن پول خودشان وارد مملکت ایشان می‌شوند گرامی دارند، از آنان در نهایت بی‌احترامی پذیرایی می‌کنند و بی‌قاعده سخت‌گیری می‌نمایند که این گونه بدرفتاری در حق زوار خواه از روی عمد و خواه سهو باشد، در هر صورت برخلاف منافع دولت و ملت و مملکت است.^{۲۹}

به گزارش برخی جراید مسیرهایی که از طریق آنها زائران ایرانی به عتبات عراق می‌روند،

به لحاظ امنیت در وضع مطلوبی قرار دارد:

امسال (جمادی الاولی ۱۴۳۳ق) زوار ایرانی از هر ولایتی زیاده از سال‌های دیگر به زیارت عتبات عالیات می‌روند و طرق و شوارع حدود کرمانشاه در کمال امنیت است و مستحفظین مشغول حفظ و حراست می‌باشند که زوار و توافل به آسودگی و اطمینان عبور و مرور نمایند.^{۳۰}

از قراری که نوشته‌اند، امور سر حد و ثغور و شوارع عبور و مرور آن ولایت (کرمانشاهان) از حُسن مراقبت خواب ستطاب عمادالدوله منتظم و مضبوط است. زوار و قافله به آسودگی از طرق سر حدّات به منازل و مقاصد می‌گذرند. اسدالله خان سرتیپ بر سرباز و سواره مستحفظین طرق و قراول‌خان‌ها افزوده و قرار گذاشته است. از ذهاب قراول و مستحفظ همراه زوار و قافله‌ها تا منازل قصر شیرین و خانقین بوده و همچنین از خانقین الی ذهاب با جمعیتی که مجاورت کرده‌اند همراهی و محافظت کرده به مقصد برسانند که عابرین ذهاباً و ایاباً از آسیب قطاع الطریق مصون باشند.^{۳۱}

اما این امنیت و آرامش در مسیرهای بین شهرهای عراق دیده نمی‌شود. محض اطلاع زوار و عازمین مقامات متبرکه نوشته می‌شود به موجب خبری که به قونسولگری رسیده است، مأمورین حکومت بغداد مسئولیت سلامت زوار و امنیت راه بغداد به کربلا و نجف را نظر به اغتشاش آن حدود قبول نمی‌کنند.^{۳۲}

علمای حوزه نجف اشرف و ضرورت اتحاد و اقتدار مسلمانان

آیت‌الله شیخ‌الشریعه اصفهانی در پاسخ یکی از رهبران شیعیان بخارا نوشته است: پوشیده نماند آن‌که، چنان‌که اهل سنت فرق مختلفه می‌باشند و در اصول و دین و فروع، آنان اختلاف فاحشی دارند، همچنین طوایف شیعه مختلفه بودند. امروز روزی است که همه فرق مسلمین باید نزاع خانگی را موقوف و به معارف و معاضدت

یکدیگر مقابله کنند با آنها که اضمحلال شرایع اسلام و ایمان و انهدام اساس شریف قرآن و تبدیل ناقوس با صوت اذان و ذهاب اسم پیغمبر آخرالزمان را مطالبه و عمل کنند و وصیت آن جناب ... و زیاده از این تقویت قوای اجانب را به توهین و تضعیف قوای خود و شیوع اخبار موحشه که تصدیق وقع با سهم بینهم می نمایند، نکنند. تا کی مسلمین در خواب و اغترار (فریفته) و اجانب هشیار و بیدار؟!^{۳۳}

در گزارش دیگری متن حکم علمای شیعی و سنی درباره اتحاد و انسجام فرق اسلامی، به زبان عربی درج گردیده که ترجمه فارسی آن چنین است:

پس از ستایش پروردگار و درود بر رسول خاتم و آل و اصحابش؛ چون ما دیدیم اختلاف فرق پنج گانه اسلام در اموری که متعلق به اصل دیانت اسلامی نمی باشد و شقاق فیما بین آنها سبب تنزل دادن دول اسلامی و تسلط اجانب شده بر مملکت های مسلمانان عالم، پس از برای حفظ کلمه جامعه دینی و دفاع از شریعت شریفه محمدی اتفاق فتوا شد، فیما بین مجتهدین عظام (رؤسای شیعه جعفری) و علمای گرام اهل سنت مقیم بغداد بر وجوب اعتصام به حبل الاسلام. پس به تحقیق آرای ما متحد شد حیث حفظ حوزه اسلام در بذل تمام قوا و نفوس خودمان، اعلان کردیم به همه ملت اسلام که واجب بدانند معاونت در حفظ استقلال دولت اسلامی و نگاهداری حدود ممالک آن از مداخله اجانب و برادری بر همه مسلمانان.^{۳۴}

از علمای نجف درباره تشکیل قشون ملی استفتائ نمودند، جوابی که آن بزرگواران داده اند، چنین است:

البته معلوم است که حفظ بیضه اسلام و پاسبانی ممالک اسلامیة تکلیف عامه مردم است. بر هر فردی از مسلمین واجب است که برحسب قوه و استعداد خود در مقام تحصیل مقامات آن برآید و در اقدام به لوازم آن کوتاهی نکند و چون که اعظم مقدمات آن تعلیم و تعلم آداب حریبه [آموزش نظامی] است که به مقتضای هر زمانی معمول می باشد، پس بر عموم جوانان مسلمین واجب است کفایه که در

مشق نظامی و تعلیم قواعد حربیه جدید مسامحه و مساهله ننمایند. مکرّر نوشته‌ایم آنچه موجب قوت ملت و شوکت دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ حدود و ثغور است، به هر مسلم حتم، لازم است.^{۳۵}

زعمای حوزه نجف در خصوص مسایل جهان اسلام این‌گونه احساس مسئولیت

کرده‌اند:

الیوم اساس دین مبین قریب به انهدام و آثار شریعت حضرت سیدالمرسلین ص در معرض زوال افتاده است. مصائب حالیه اشدّ مصائب و لطمات وارده بر عالم اسلامیت در این عهد، سخت‌ترین لطمات است. امروز بعضی اجانب بنای حملات خانمان ویران کن بر دولت عثمانی و ایرانی گذارده و آنها را گرفتار همه‌گونه تضییقات و ابتلائات گردانیده‌اند. مسلمانان طرابلس گرفتار پنجه ظلم و تعدیات عساکر ایتالیا شده‌اند و... نظر به این احوال، اسف اشتمال و مشاهده این‌گونه تهاجمات کفار، ما خدام شرع انور به موجب مسئولیت دینی و وظیفه اسلامی، با علمای اعلام از نجف و کربلا و سامره، در کاظمین مجتمع [شدیم] که شاید در این موقع پُرخطر، چاره‌ای برای خلاصی مسلمین از چنگال ظلم و تعدی اجانب بنمائیم. بدیهی است که اگر مسلمانان به اتفاق کلمه در این امر شروع به جدیت کرده بر اهل عالم، ثبات و عزم خود را در الحاح مقصد و حفظ استقلال دولت‌های اسلامی ارائه دهند، امیدواری کامل برای نتیجه بُردن هست. این گفت‌وگوی سنی و شیعه نیست؛ امر دین و اسلامیت است. امروز روز اتفاق و کار است، نه روز تهاون (سُستی) و تقاعد. امروز کلمه جامعه اسلامیت در مخاطره و نوامیس شرع مقدس احمدی در معرض زوال و اضمحلال است. ما خادمان شرع اطهر به شماها مطلب فوق را به عنوان دیانت و اسلامیت اجماعاً از جانب خدا و رسول ص و آله ابلاغ می‌نمائیم.^{۳۶}

یکی از زعمای نجف اشرف اشرف اخطار و هشدار داده است:

علمای اعلام ذمه‌دار حقوق اسلام و مسلمین می‌باشند؛ یعنی رفع استیلائی کفار از بلاد مسلمین و ائتلاف بین امت و آگاه کردن عموم ملت و دعوت آنان به اتحاد و اتفاق، تهیه کردن موجبات دفاع در برابر کفار و تبلیغ احکام نبویه و بیان نمودن خطراتی که فعلاً از برای اسلام و مسلمین است، علمای اسلام باید اول پیش قدم و اول مجاهد بوده باشند... دعوت کردن مسلمین را به اتحاد و اتفاق بر ذمه علماست. آگاه کردن مسلمین به خطرات نفاق و شقاق از وظایف علماست. ترغیب و تحریض و وادار کردن مسلمین به دفاع از حوزه مسلمانان بر ذمه علماست. بیدار کردن مسلمین و بیان کردن خیالات کفار در عهده علما، خطبا و وعاظ است. بر عامه مسلمین لازم است که تمسک به عروة الوثقی اتحاد و اتفاق جسته و اطاعت اوامر علمای اعلام را فریضه ذمه خود بدانند.^{۳۷}

هنگامی که مسلمانانی ایرانی علیه استبداد قیام کردند و در این مسیر عده‌ای در صدد ایجاد اختلاف و تشتت در میان قوای انقلابی برآمدند، فقهای نجف مردم را به وحدت و همبستگی دعوت کردند. در بخشی از توصیه آیات معزز آخوند خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی خطاب به عدالت‌خواهان ایرانی آمده است:

امروز که انقلاب مشروطه اغلب نقاط ایران را فرا گرفته، حفظ و بقای دین اسلام موقوف به اتحاد مسلمین و وحدت مقصود آنهاست، اختلاف کلمه و تعدّد غرض کم کم منجر به رخنه اجانب و اضمحلال اسلام است. در صورتی که قلوب مسلمانان با هم متحد و مقصود کل مسلمین حفظ نوامیس الهیه شد، یقیناً آنها موروث فوز عظیم و رضایت خاطر حضرت حجت علیه السلام خواهند گردید.^{۳۸}

آخوند خراسانی در دست‌خطی که برای مبارزان ایرانی فرستاده است، سه وظیفه مهم را برای آنان برشمرده است که باید رعایت کنند:

۱. مواظبت و مراقبت کامله در این که هیچ بهانه و دستاویزی برای مداخله اجانب به هم نرسد؛
۲. حفظ اتحاد کلمه ملت و رؤسای مملکت و عدم تمکین مفسدین و

صاحبان اغراض که در صورت، با ملت مساعده و در معنا به القای فتنه و تفریق کلمه مأمورند در نیل مقاصد فاسد خود؛^۳ حفظ امنیت کامل و عدم تعرض به احدی به هیچ اسم و رسم؛ به طوری که کمال تمدن ملت بر قاطبه ملل معلوم و مصدق باشد.^{۳۹}

موضع علمای نجف اشرف در برابر نفوذ بیگانگان

حکم جمعی از علما، فقها و مدرسان حوزه نجف درباره مقاومت در برابر اجانب چنین است:

پوشیده بر شما نباشد که جهاد بر تمامی مسلمانان واجب و از ضروریات دین شمرده می‌شود، مادامی که اعداء دین هجوم بر ثغور و ممالک اسلامی می‌آورند. چه شده که صدای استغاثه مسلمانان را می‌شنوید و جواب نمی‌دهید؟! آیا منتظرید که اعداء به مکه معظمه، حرم حضرت رسول اکرم ﷺ و ائمه انام حمله کنند و دین اسلام را از شرق و غرب براندازند؟! پس مبادرت کنید در واجبات خدایی که فرض بودن جهاد است در راه خدا و دفاع از اسلام و وطنتان و متفق گردیدن و پرهیز از نفاق. جمع بشوید و بذل اموال نمائید. تا دشمنان شما قوی نشده‌اند، فوت نکنید جنگیدن با دشمنان اسلام را که آنان هوشیار و شما غفلت‌زدگان خواهید بود و می‌گذرد زمان دفاع و شما وقت به کاهلی گذرانیده‌اید.^{۴۰}

حتی حضرات آیات عظام و روحانیان نجف و نیز تمامی علمای کربلا، کاظمین و سامراء برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی متفق گردیدند و چون ابرقدرت‌ها به قلمرو ایران یورش برده و این کشور را میدان تاخت و تازها و غارتگری‌های خود قرار داده بودند، در چهارشنبه ۲۰ ذی‌حجه ۱۳۲۹ مقرر گردید جماعتی که در پیشاپیش آنان آخوند خراسانی حضور داشت، به سوی ایران حرکت کنند:

بعضی التماس می‌کردند که اگر اصلاح امور عالم به طور دیگر ممکن است، آن

را اختیار نموده، حرکت نفرمایید. آخوند خراسانی در میان ایشان بر پا ایستاده و فرمود: امر عالم اسلام امروز خیلی باریک و کار بر مسلمانان عالم خیلی سخت شده است. صلیبیان از چهار طرف بر ممالک اسلام هجوم آورده‌اند. چاره منحصر به اتفاق مسلمانان و حرکت می‌باشد. بعد آخوند خراسانی استراحت نموده و آخر شب برای تهجد برخاسته و چون از نافله شب فارغ گردید، علمایی که حاضر بودند، به محضرشان آمدند و ایشان در جمع آنان فرمودند: دیروز به بعضی آقایان محرمانه گفتم و الان به شما تأکید می‌نمایم که عزم کرده‌ام در این سفر با کفار مقابله کنم؛ مگر آن که دست از مسلمانان بردارند. چنانچه در این راه کشته شوم، با آن کفنی که به خونم آلوده شده، مرا دفن نمائید؛ زیرا من حضرت حجت علیه السلام را در این محاربه حاضر می‌بینم و کسی که در رکاب آن حضرت در این راه کشته شود، شهید است و اگر وجه شرعی ندیدید، آن کفن را در کنارم در قبر بگذارید. می‌خواهم در صحرای محشر کفن خون‌آلود پوشیده، در درگاه احدیت از دست دشمنان دین شکایت کنم. البته بعد از لحظاتی احوال آخوند خراسانی منقلب گردید و حوالی طلوع فجر روح شریفش به شاخسار علین پرواز نمود. در رحلت حضرت آیت‌الله خراسانی شبهه دارند که دست خارجی در بین بوده است (و ایشان را مسموم کردند)^۱

در فرازهایی از مکتوبی که از نجف اشرف ارسال و در برخی جراید آن وقت درج گردیده، آمده است:

پس اگر دیندار هستید، باید همت کنید و اگر اهل غیرت و حمیت می‌باشید، نباید بگذارید مملکت خود را به آسانی ببرند و خانه شما را اجانب متصرف شوند و بر جان و مال و عیال شما مستولی گردند. مسلمی که بتواند یا غیرتمندی که متمکنش باشد، اعانت اسلام و حفظ ناموس مسلمین را نماید و این وجه را در بانک‌های خارجه گذارده و به دولت اسلام قرض ندهد و معامله با کفار بنماید مصداق «فتقعد ملوما محسورا»، بلکه «مخذولاً منکوباً» در یک اجانب خواهد بود.

بر خواص، اعیان و عقلا مملکت است که عوام و رعایا را جمع آوری نموده و به آنها بفهمانند از نفاق دست کشیده و به اتفاق تن در داده، بلکه حفظ استقلال و شرف اسلام و مسلمین نموده و نگذارند کفار تسلط بر مسلمین و بلاد آنان پیدا کنند.^{۴۲}

در تلگراف آیات عظام نجف شیخ عبدالله مازندرانی و آخوند محمدکاظم خراسانی که مخاطب آن مجلس شورا و مجتهدین ناظر بر قوانین آن هستند، درباره خطر هجوم و نفوذ قوای بیگانه هشدار جدی داده شده است:

در این موقع خطرناک که دشمنان دین اسلام اغتشاشات داخلی را بهانه نموده، از جنوب و شمال به محو استقلال ایران و عدم اساس مسلمانی حمله آور شده‌اند، البته حمایت از حوزه مسلمین و تخلیص ممالک اسلامی از تشبثات عدیده سبب فریضه ذمه قاطبه مسلمین و متدینین و اهل قبله و توحید است و ابناء این اغتشاشات علاوه بر تمام مفاسد دینی و دنیوی آن، چون موجب استیلائی کفر و ذهاب بیضه اسلام است که در تخلیص ممالک اسلامی از تشبثات اجانب، با دولت و موافقت نموده، بدنامی و لعن ابدی محو اسلام را به وسیله رقابت و نفاق‌های داخلی و اغراض شخصیه و جنگ‌های خانگی بر خود ندارند.^{۴۳}

استفتاء از علمای نجف اشرف در باب حکم خرید اجناس و البسه از افراد غیرمسلمان و بیگانگان بدین صورت می‌باشد:

چیست حکم شرعی امتعه و البسه، بلکه مطلق اجناسی که از اجانب و غیر اهل اسلام خریده می‌شود، در صورتی که مثل آن را خود مسلمین دارند؛ خصوصاً وقتی که خریداری مسلمین از اجانب و غیرمسلمین فعلاً و مآلاً سبب فقر و ضعف قوای مسلمین می‌شود که در حقیقت این نحو معامله مدخلیت کلی در ترویج و شوکت اسلامیت دارد، آیا لازم است که مسلمانان تا بتوانند خود ایجاد کنند، از غیرمسلمین خریداری نکنند، یا خیر؟ سیما وقتی که یک جنس را هم مسلمان

دارد و هم غیرمسلمان، آیا لازم است که از مُسلم خریداری نمایند یا خیر؟ در این صورت از غیرمسلم حرام است یا خیر؟

جواب فقهای حوزه نجف اشرف بدین شرح است:

بسم الله تعالی و شأنه العزیز. بلی مادامی که مسلمین می‌توانند ایجاد صنایع نمایند و اجناس محتاج الیه خودشان را درست کنند، بر آنها لازم است که خودشان اقدام نمایند و وجوه نقدینه خود را که مایه حیات [اقتصادی] آنان است، در عوض اجناس فانیه به اجانب ندهند و حتی الامکان لازم است که قاطبه اسلامیان جمیع معاملاتشان را به انواع اسلامیان قرار بدهند و هر جنس که نزد مسلمانان یافت شود، صلاح حفظ و بیضه اسلامیت آن است که حائل آن جنس را از غیر اهل اسلام نخرند که این اقدام ترویج اسلام و شوکت اسلامیان است. رعایت این جهت بر جمیع افراد مسلمین لازم و فرض عین است. در صور مذکوره، خریداری از اجانب حرام است؛ زیرا که مستلزم شوکت اعادی (دشمنان) اسلام است. هر چه موجب تقویت و شوکت کُفر و کُفار و باعث ضعف اسلام و مسلمین است، حرام است؛ چه از معاملات باشد یا غیر آن و بس سزاوار است که مسلمین هرگاه ممکن باشد، بدون ترتب مفسد تحرّز کنند از چیزهایی که در معرض تقویت کفر است. آنچه سبب تقویت کفر و وهن اسلام است، چه معامله کردن از بیع و شراء و امتعه آنها خریدن و قرض و اقتراض و غیره باشد و یا مطلق معاشرت جایز نیست.^{۴۴}

در ذیل این پاسخها امضای آیات ارجمند سید محمدکاظم یزدی، حاج سید علی رضوی تبریزی نجفی، شیخ عبدالله مازندرانی، حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل تهرانی و محمدکاظم خراسانی دیده می‌شود. مراجع حوزه نجف اشرف تشبه به کفار و بیگانگان را منع کردند. در دست‌نوشته این بزرگان مندرج است:

این زمان که شعائر اسلام ضعیف و اعلام کفر قوی و خرافات کفریه فرقه بابیه

ظاهر و تعلیم و تعلّم السنه کفر و تشکیل معلم‌خانه‌ها که بالاخره موجب الحاد اطفال مسلمین شایع و تشبیه به کفار در همه اطوار در خصایص ایشان در تلبیس و مطعم و مسکن به صورت معمول گشته، بر همه مسلمین اجتناب از این امور و مراوده با مرتکبین این و اعانت آنها به اجاره دادن خانه و دکان حرام و از اکبر کبائر و العیاذ بالله محاربه با امام زمان علیه السلام است.^{۴۵}

مقابله زعمای نجف با استعمارگری و توسعه‌طلبی روس‌های متجاوز

روس‌ها نسبت به دول اسلامی سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ای داشتند و مهم‌ترین اقدام آنان توسل به تجاوزگری نظامی در طول مرزهای‌شان با کشورهای اسلامی بود. روسیه برای تسلط بر دریای سیاه به قلمرو عثمانی یورش برد و به انگیزه تهدید هندوستان، خاک ایران را مورد تجاوز قرار داد و با تحمیل دو جنگ بر این سرزمین، مناطق وسیعی از این کشور را به اشغال خود درآورد.^{۴۶}

در گرماگرم نبرد میان ستمگران قاجار و اقشار آزادی‌خواه در دوره استبداد صغیر، نیروهای نظامی روس براساس قرارداد ۱۹۰۷م از مرزهای ایران عبور کردند و وارد تبریز شدند و در این دیار به ظلم و زورگویی پرداختند و عده‌ای از مخالفان از جمله ثقة الاسلام تبریزی را اعدام کردند و با لشکرکشی به مشهد مقدس رضوی، گنبد و بارگاه امام رضا علیه السلام را به توپ بستند. نیروهای نظامی انگلستان هم جنوب ایران را به تصرف خود درآوردند. بنابراین مهم‌ترین مشکل مشروطه نوپا حضور قوای متجاوز روس و انگلیس در ایران بود.^{۴۷} البته روسیه و بریتانیا در روبه‌رو شدن با مبارزات عدالت‌خواهانه ایرانیان، در مناطق استعماری خود با هم تضاد داشتند. روسیه به چند دلیل با این نهضت مخالفت کرد:

۱. جلوگیری از نفوذ بریتانیا که در لباس مشروطه‌خواهی، نقش خود را پی می‌گرفت.
۲. کمک به محمدعلی شاه مستبد که طرفدار روسیه بود.

۳. پیش‌گیری از قیام ملت‌های منطقه قفقاز به منظور رهایی از زیر یوغ استکبار روس تحت تاثیر پیروزی مشروطه‌خواهان ایران.^{۴۸}

تجاوزها و دخالت‌های مستبدانه روس‌ها در امور مسلمانان ایران، حوزه علمیه نجف را وادار به موضع‌گیری جدی و بازدارنده نمود و این دیار مقدس به کانون مهمی برای جلوگیری از نفوذ سیاسی، اقتصادی روس‌ها در جامعه این کشور گردید. علمای نجف در تلگرافی که در جراید به چاپ رسید، اعلام کردند پیرو مداخله روسیه در ایران، نماز جماعت و درس‌ها تعطیل گردیده است.^{۴۹}

در گزارش دیگری آمده است:

شهر نجف اشرف به واسطه تهاجم روسیه و انگلیس بر شمال و جنوب ایران خاصه از تعدیات قشون روس در تبریز، هیجان عظیم برپا گردید. روز به روز که اخبار جان‌گداز از تعدی‌های روس می‌رسید، به وحدت و حرارت مردم نجف افزوده می‌شد؛ به قسمی که مجلس عزای حضرت سیدالشهداء مبدل به عزای اسلام شد. در هر مجلسی که منعقد می‌شد، به غیر فریاد و اسلاما و ملتا، پی در پی خطابه‌های جان‌سوز و مقالات مؤثره طلاب و دانایان در مجلس قرائت می‌شد. هشتم محرم الحرام از طرف مجتهدین و حجج اسلامی و سایر علما و کسبه در بیرون دروازه نجف خیمه‌ای برپا گردید؛ متصل اسلام‌خواهان و متدینین به ایشان ملحق می‌شدند، صبح یازدهم خیمه‌ها را کردند و عازم حرکت به ایران شدند تمام آن صحرای وسیع از کثرت جمعیت و ازدحام مسافرین و مشایعین به حرکت درآمده بود. همه کجاوه‌ها و محمل‌های سیاه‌پوش علم‌های سیاه و سبز برافراشته روی آنها با خط سفید «یا مرگ یا اسلام» نوشته بودند.^{۵۰}

در تلگرافی که علمای نجف خطاب به امپراتوری روسیه مخابره نموده بودند، آمده

است:

کارگزاران روسیه در ایران همه روزه برای ملت و دولت تازه به راه افتاده، چه

اشکالات جدید تولید و طریق سعادتشان را با چه سدهای آهین مسدود ساخته‌اند، پیوسته به مداخلات غیرقانونی و مزاحمت استقلال‌شکنانه و جری ساختن مفسدین و پناه دادن به یاغیان مملکت و برخلاف قوانین مسلمانه عالم و حقوق بین‌المللی تذکره تبعیت و حمایت به دست آنان دادن الی غیر ذلک از اقدامات غیرحقیقه، حقوق ملت و استقلال ایران را پایمال و اوقات اولیاء دولت و ملت را از اصلاحات مملکتی و ترتیبات اسلامی به این مشکلات متعاده مشغول و مصروف نموده‌اند. ان‌شاءالله تعالی ترضیع حقوق ملت مظلوم ایران و هدم مبانی آزادی و استقلال ایران را زیاده بر این روا نداشته، اعاده قشون روسیه در ایران و رفع ید از مداخلات استقلال‌شکنانه اوامر عاجله شرف اصدار و مأیوسی علماء و قاطبه مسلمین را به امیدواری کامل و گسیختگی روابط ودادیه و جواریه و تجاریه را روا نخواهند داشت... رؤسای روحانی اسلام علمای نجف اشرف.^{۵۱}

در بخشی از نامه هیأت علمیه نجف اشرف که مخاطب آن اقشار گوناگون ایران می‌باشد، علما این‌گونه هشدار داده‌اند:

چون دولت روس انتظام مملکت ایران و بسط شوکت اسلام را منافی مقاصد و اغراض اسلام‌شکنانه خود دانسته، به بهانه‌های جعلی و تشبیهات غیرقانونی، قوه نظامی خود را به ایران سوق کرده و به توسط کارکنان مخصوص خود القای نفاق و تفرقه بین مسلمانان کرده است، همین‌طور درصدد برآمد که استقلال مملکت ایران را که عمده احساس عزت و شرف مسلمین است، خاتمه دهد. مسلمین را تحت اسارت و عبودیت کفار ببرد و به طوری دولت ایران را مشغول اصلاحات به طرف شمال ساخته که از اصلاحات کامله طرف جنوب اغفال نموده است، همان طوری که مقام ریاست روحانی اسلامی (مستقر در نجف اشرف) توقف قشون روس و دخول قشون انگلیس به جمیع دولت متمدنه به توسط سفرای دول در تهران پروتست نمایند. هیأت علمیه نجف اشرف.^{۵۲}

احکام آیات عظام نجف اشرف درباره هجوم روس به ایران:

جناب اجل آقای مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی، فاجعه تلگراف متضمن تجاسرات دولت روس ملاحظه شد. عموم مسلمانان را متأسف و عرق اسلامیت آنان را متحرک داشته، احقر (سید اسماعیل صدر) و علمای اعلام در این مقام نهایت اهتمام نموده و قبلاً حکم و جواب دفاع به تمام مسلمین تلگرافاً به ایران و غیر ایران شده و حتی المقدور از اقداماتی که امید فائده در آن باشد، مسامحه ندارند. مبادی مرکوبه هر چه صلاح است، بدهند که با کمال بصیرت اقدام شود.^{۵۳}

علمای نجف به منظور این که از تعدی و تجاوزهای روس‌ها در ایران بکاهند، در اقدامی بازدارنده، کالاهای ساخت روسیه را تحریم کردند. در فراز یکی از احکام بزرگان حوزه نجف هشدارهایی در این ارتباط به چشم می‌خورد:

ترک این تعدی جابرانه و تخطی ظالمانه روس‌ها و تفتین حکومت روسیه در تولید اشکالات داخله ایران و اشتغال وزرائی به تصفیه امورات مشکله آنها، بسته به نخریدن مال التجاره روس و بذل اندکی غیرت و صرف خردکی فتوت است که ایرانیان حتی القوه از خرید امتعه روسی پرهیز کنند؛ بلکه بدین وسیله نافع، حکومت روسیه قشون خود را از ساحت وطن عزیز ما بیرون کشد و ایرانیان را که پس از قرون متمادی خود را از زیر سلاسل استبداد بیرون کشیده‌اند، به حال خود واگذارد. حضرات آیات عظام نجف که در پیشگاهشان انتها درجه مظلومیت ایرانیان و اعلالدرجه ستمکاری روس‌ها مشهود است، محض حفظ بیضه اسلام و استقرار استقلال ایران و سعادت ایرانیان در ترک مال التجاره روس حکم قطعی صادر فرموده‌اند. معلوم است ایرانیان غیور که حفظ اسلام و آزادی ایرانیان را از رشحات آثار حضرات آیات الله نجف اشرف دانسته و می‌دانند، دیگر نباید دیناری مال خود را به بهای امتعه روس بدهند. ای ایرانیان مظلوم! به خود آئید، ببینید چگونه روس می‌خواهد آن همه نفوس زکیه، اموال و غیره که در راه استقلال و

حریت خود مبذول داشته‌اید، پایمال خیالات ظالمانه خود کند و پولی که از بهای امتعه خود از شما می‌گیرد، صرف آلاتی بنماید که بدان آلات جیشه استقلال ایران و ایرانیان را معدوم نماید. اینک بر هر مسلمان غیور متدین واجب است که محض اطاعت اوامر حضرات آیات عظام، دیناری مال التجاره روس را نخرد و حمل و نقل مال التجاره او را نکند تا حکومت روسیه، قشون خود را از خاک وطن گلگون شده بیرون بکشد.^{۵۴}

پس از این‌که ایرانیان حکم فقهای حوزه نجف را دریافت کردند، از خرید کالاهای روسی خودداری نمودند، یکی از جراید بازتاب این تحریم را از تبریز چنین گزارش نموده است:

پس از رسیدن حکم تلگرافی حجج نجف، مردم به کلی ترک امتعه منحوسه روس را کرده‌اند، ریش سفیدان غیرتمند چراغ لامپاها را شکسته‌اند که آسوده، انتظار نفت روس را نکشند، باز شمع و پیه‌سوز و روغن چراغ رواج یافته، تجار روسی مکرر در خانه تاجرباشی اجتماع کردند و تلگراف هر جا کشیدند مفید نیفتاد.^{۵۵}

اتحاد مسلمانان در اجرای حکم علمای نجف درباره حرمت استعمال کالاها، اجناس و خوراکی‌های روسی ضمن این‌که باعث اتحاد جوامع اسلامی گردید، اجانب را دچار استیصال نمود. در یکی از جراید وقت این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است:

مسئله حرمت استعمال امتعه روس که به حکم ریاست روحانی اسلام و اجماع علمای اعلام صادر گردیده، نه تنها روس‌ها را دستپاچه کرده، بلکه انگلیسی‌ها را هم هاج و واج ساخته است؛ چه خوف آن دارند اگر این حس در میان ایرانیان پیدا شد، از این به بعد نخواهند توانست هیچ‌گونه اجحاف و زیادتی بر آنان وارد نمایند. کنسول روس که در بغداد ساکن بود، کوشید از طریق مخابره پیام‌هایی برای علمای نجف، خواست با آنان درباره لغو این حکم مذاکراتی انجام دهد، ولی فقها به وی اجازه ملاقات ندادند. همین‌که روس‌ها از این طرف مأیوس گردیدند و

مسئله حرمت استعمال امتعه روس، روزافزون سبب عظمت و اهمیت در تمام ایران نمود، راه چاره را در آن دیدند که استمالت از کابینه ایران بنمایند؛ بلکه آنان را واسطه کشتن این حس ملی قرار دهند و ملت را از حرارت بیاندازند که موفقیتی به دست نیاوردند و هیأت علمیه نجف اشرف طی تلگرافی که به مشهد مقدس مخابره نمود، یادآور گردید به علما و مجتهدین و تجاوزگران و تمام طبقات ملت را به ترک استعمال امتعه روس تهنیت و تبریک می‌گوئیم. رجاء واثق آن که اهالی سایر بلاد در ترک استعمال کالاهای روس که موجب تقویت اسلام و خشنودی حضرت ثامن الائمه علیه السلام است، تاسی به آن غیرتمندان نمایند.^{۵۶}

حمایت از حریت و عدالت‌خواهی مسلمانان ایرانی

علمای حوزه نجف اشرف، از همان آغاز انقلاب مشروطه، از این حرکت عدالت‌خواهانه و مبارزات مردم ایران به رهبری علما علیه استبداد، حمایت می‌کردند. تجاوزهای محمدعلی شاه قاجار با همکاری روس‌های تزاری آیات عظام آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاج حسین بن میرزا خلیل تهرانی را وادار به یک رشته کارهای قلمی و قدمی بسیار مؤثر کرد. به دیگر سخن، رویدادهای دوران استبداد صغیر یعنی از آغاز بمباران مجلس در ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۶ و فتح تهران در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۷ سبب اصلی خیزش جدی علمای نجف و شدت مبارزات آنان گردید. در همین ایام شاه مستبد بسیاری از آزادی‌خواهان و مشروطه‌گران مؤثر را کشت یا تبعید نمود. در چنین وضعی علمای مقیم عتبات عراق به دلیل دوری از دسترس جلادان محمدعلی شاه قاجار توانستند حرکت ضد ستم را با فعالیتی خستگی‌ناپذیر ادامه دهند.

آنچه برای این فقها و زعما اهمیت داشت، این بود که یک دولت مستبد و غیراسلامی از میان برود و قوای اجانب از ایران رانده شوند. روس و انگلیس تصمیم گرفته بودند مشروطه‌ای کاملاً کنترل شده در ایران پدید آورند تا انقلاب واقعی مردم را سرکوب

سازند. آنها در راستای این هدف شوم خود، از محمدعلی شاه خواستند اصلاحاتی انجام دهد و شاه وعده داد مشروطه را بازگرداند و کوشید از حمایت علمای کربلا و نجف برخوردار گردد که زعمای عتبات به قول او اعتماد نکردند و به بیانیه روس و انگلیس درباره ملایمت نشان دادن مشروطه‌خواهان اعتنایی ننمودند و همچنان به نبرد و مقاومت خود در برابر حکومت خودکامه محمدعلی شاه و دخالت‌های بیگانگان در امور ایران ادامه دادند. این مبارزه نیرومند و پی‌گیر که از سوی علما علیه جرثومه‌های ستم و تجاوزهای کفار نشان داده شد، موضع روس و انگلیس را مورد تهدید قرار داده بود. قصد مجتهدان و روحانیان نجف و کربلا این بود که به کاظمین و سپس به سوی ایران حرکت کنند، ولی خبرهای مشروطه‌خواهان و ورود نیروهای اصفهان و گیلان به تهران، فرار محمدعلی شاه و پناهندگی او به سفارت روسیه، علما را از ادامه این هجرت بازداشت.^{۵۷} نشریات و جراید عصر قاجاریه درباره موضع‌گیری مشاهیر حوزه نجف اشرف، به نکات جالبی اشاره کرده‌اند. مکتوب هیأت علمیه نجف اشرف درباره دلایل حمایت علما از جنبش مشروطه چنین است:

تمام کشتش و کوشش حضرات آیات عظام، جان‌فشانی مجاهدین و تحمل خسارات مالی و گرفتاری‌های اکثریت شیعیان در داخل و خارج ایران برای آن نبود که کتاب زند و پازند احیا گردد؛ لسان فارسی از عربی تمییز یابد و یا آن‌که شرایع اسلام به بوته فراموشی سپرده شود و زنادقه نسبت به تکالیف شرعیه استهزاء کنند؛ بلکه چون دولت شیعه در شرف اضمحلال و امنای دولت مشغول مملکت‌فروشی و عامه مردم غافل، اجانب اطراف را گرفته بودند و قریب به آن رسیده بود که ایران قرین سرزمین اندلس گردد. لذا به مقتضای آنچه در پیشگاه عدل الهی بر دمه گرفته‌اند، حضرات آیات دامن اهمیت به کمر زده، ایستادگی کردند و مردم را از عواقب وخیمه آگاه کردند. عموم مسلمین هم به مقتضای دیانت خود اوامر آنان را اطاعت کردند؛ از بذل مال و جان مضایقه نکردند تا آن‌که از توجهات

امام عصر علیه السلام خار استبداد کنده شد و لجامی از قانون اساسی که عبارت از تحدید ظلم، تقلیل فساد و خودسری باشد، بر دهن حکام و ولات زدند که ان شاء الله کم کم آب رفته به جوی آید و به همت عقلای مملکت و امنای ملت، صنایع ترویج شود، تجارت رونقی پذیرد، علوم معادی و معاشی رواج یابد، اخلاق رذیله از میان برود، برابری و برادری که حقیقت اسلام ظاهر شود.^{۵۸}

از آیت الله آخوند خراسانی درباره مسائل مربوط به مشروطه سوالی کرده بودند که این زعیم عالی قدر حوزه نجف چنین پاسخ داده است:

مخفی نماند که اگر دولت مشروطه گردد، امکان ظلم و استبداد از حکام بلاد کم خواهد شد و موجب آسودگی عباد خواهد گردید؛ چنان که پرواضح است که فسادهایی از قبیل تلف گردیدن نفوس و اموال از جهت همان رویه استبدادی می باشد ... اکنون که جمعی کثیر از اجله علمای اعلام و سایر بقات انام محض فتوت و غیراسلامی و ترقی و صیانت مملکت و اشاعه عدل و داد و رفع ظلم و بیداد و مطالبه حقوق مسلمین رنج را به راحت مقدم داشته و علم همت برافراشته اند، بر جمیع مؤمنان واجب و محتوم است که هر کس هر قدر و هر طور که متمکن است همراهی ایشان نموده به اتفاق و اتحاد قطع ریشه استبداد و رفع ظلم و شر معاندین نمایند.^{۵۹}

یکی از اعظام مجتهدین حوزه مجاور بارگاه مقدس علوی در وجوب تقویت اساس مشروطه این گونه اعلام نظر نموده است:

بر کافه مؤمنین مستور نماند که ملخص مفاد مشروطیت عبارت است از محدود گردیدن ادارات دولتی، و اراده حکومتی به حدود و قیودی که عمل کردن به آنها، برای مملکت اسلامی مفید باشد و باعث قوت و شوکت ملت و دولت گردد. جمهور ملت، عقلای خود را که عارفند به مصالح و مضار مملکت و در سیاست های بین الدول نیز با خبر و بصیرت اند و به علاوه به فضیلت ملکه انصاف

و بی‌غرضی آراسته و پیراسته‌اند، تعیین کنند که سیاست عامه و آنچه را که در نظام مملکت اسلامی دخالت دارد، تحت ضابطه و قانون محدودی درآورند و در هر یک از بلاد هم از جانب ملت امنائی مقدر دارند که سبب نظارت در اعمال حکومت و در سایر اشغال دولتی که راجع است به آنجا داشته باشند تا آن که دست تعدی و تجاوز در حقوق عامه ملت و آنچه موجب صلاح و رشد مملکت است، از هر طرف مسدود گردد و خرابی مملکت به عمران مبدل شود و از تهاجم اعدای خارجه و طمع هر ذی طمعی مصون و محفوظ بماند.^{۶۰}

علمای نجف تاکید نموده‌اند هنگام گزینش افراد در امور ایالتی و حکومتی، آموزشی و فرهنگی نهایت دقت و تأمل صورت گیرد. در بخشی از دست‌خط آیت‌الله شیخ عبدالله مازندرانی نکات جالبی در این ارتباط مطرح گردیده است:

از اهم ملاحظات این است که در انتخابات کمال مداقه شود؛ چه در مبعوثان و چه در اعضای انجمن ایالتی و حکومت که مبدا اشخاصی که طالب ظلم و استبدادند، با این شکل داخل شوند و تحصیل غرض خود نمایند و اشخاص فاسد العقیده که سبب نفرت اهل اسلام باشد و همچنین در معارف کمال مداقه بشود و در روزنامه‌ها هر غلطی نکنند؛ هتک احترام محترمین ننمایند به سبب اغراض شخصیه، و در معلمین صنایع مداقه شود اشخاص صحیح الاعتقاد در اسلام و ایمان به سبب سلب اعتقاد اطفال و متعلمین نشود. تعلم صنایع و فتون خوب است، لیکن با حفظ ایمان و اسلام.^{۶۱}

در فرازی از تلگراف علمای نجف اشرف، به حقایق جالبی توجه گردیده است:

... و چون مفتاح سعادت مملکت و انتظام امور دین و دنیای ملت فقط منحصر به حسن انتخاب و بالعکس اساس تمامی خرابی‌ها هم منتهی به سوء انتخاب است، لهذا دقت کامله در اهل‌بیت منتخبین برای چنین مقام رفیع و امین بودن آنها بر دین و دنیای مسلمین از اهم تکالیف اسلامیه است و تفویض این امر به مردمان

بی‌مبالات در دین و متهمین به فساد عقیده و حاکمیت امور مسلمین به غیر امین در دین و دنیا، بزرگ‌ترین معانده با صاحب شریعت مطهره و خصومت با امام زمان علیه السلام و بالاترین عداوت به دین اسلام و خیانت به ملت و مسلک اسلامی و حوزه مسلمین است و ندامت بعد هم سودی نخواهد داشت.^{۶۲}

آیت‌الله حاج شیخ عبدالله مازندرانی درباره ضرورت تشکیل مجلس شورای ملی، طی مرقومه‌ای این‌گونه اظهار نظر نموده است:

اصل مقصد از وضع مجلس شورا، به جهت حفظ حدود دولت و رعیت و حفظ حقوق عموم بندگان خداست. که ضایع نشود که عقل و شرع متفق هستند به حسن و وجوب آن اگر مستلزم مفسده نباشد. برخی ظلم بر مخلوق را شعار خود داده، حریت از احکام خداوند عالم می‌خواهند، نه حریت از ستم و آنچه موافق خیانت آنان بوده، از کفر و زندقه و الحاد ذکر نموده و زبان زشت پر از خیانت گشوده به ساحت اقدس شرع و شریعت، که البته ساحت مجلس محترم از این نسبت‌ها مبرا و از این‌گونه اشخاص بیزار است. کسانی اشتها می‌دهند تا مجلس را بدنام نموده و در اوهام داخل نمایند که این از مفاسد مجلس است و به این وسیله خاطر علمای اعلام را از مجلس منصرف ساخته، فواید جلیله آن را که اعظم آنها نهی از منکر، حفظ حقوق و حدود ملت و دولت است، موهون ساخته و لباس دیگر بپوشانند، شاید به این طریق رفع مجلس نمایند و به مقاصد قبیحه خود که ظلم و جور است برسند.^{۶۳}

عده‌ای از مجتهدین عظام نجف اشرف درباره مجلس شورای ملی این‌گونه استفتاء نموده‌اند:

حضور مبارک آقایان عظام حجج اسلام... عرضه می‌دارد خواطر آقایان از وضع مجلس شورای ملی مسبوق است که آن بر اجزای احکام شرع مبین و صیانت مذهب حقه اثنی عشریه و دفع تعدی خائنین و نشر عدل بین العباد و موجبات قوت و شوکت دولت اسلامی در قبال اعادی دین است. مع‌ذلک بعضی از روی منافات

این وضع با مقاصد و اغراض شخصیه خودشان در مقام تخریب و در صدد تشویش و تشکیک‌اند. مستدعی است تکلیف عامه مسلمین را در این باب معین فرمائید تا رفع تشویش گردد.

جواب و فتوای مجتهدان عظام نجف چنین است:

... بلی چون بحمدالله تعالی و حسن تأییده و به توجهات مقدسه حضرت ولی عصر^{علیه السلام} اساس این مجلس محترم و مقدس بر امور مذکوره مبتنی است، بر هر مسلمی سعی در اهتمام و تشیید این اساس قویم لازم و اقدام در موجبات اختلال آن محاده و معانده با صاحب شریعت و خباثت به دولت قوی شوکت است.^{۶۴}

در جای دیگر علمای عظام نجف درباره این نهاد قانونی و ملی متذکر گردیده‌اند:

پیش‌تر باز هم می‌نویسیم که این مطلب را مکرراً اظهار داشته و تاکید نموده‌ایم که این مجلس محترم که مبنی بر تشیید ملت و رفع تعصبات و نهی از منکرات است، نباید شبهه در حسن و رجحان او نموده و تا به حال هم چیزی که مخالفت قوانین شرعیه باشد، از او صادر نشده است. پس مناقشه‌ای در او نیست، مگر محض افساد و جهل و منابعه اغراض نفسانیه.^{۶۵}

از بزرگان حوزه نجف اشرف سؤال کرده‌اند:

بعضی می‌گویند قانون اساسی را به محضر انور حضرات حجج اسلام نرسانیده‌اند، مستدعی است جواب مراتب معروضه را در صدر عریضه مرقوم و مختوم فرمایند تا رفع اشتباه از نوع مردم بشود.

پاسخ آیت‌الله خراسانی این است:

بسم الله الرحمن الرحيم. امر مبین از آن است که اشتباه شود. قبح ظلم و حسن عدل را عقل و شرع حاکم است. قانون اساسی را هم دیده‌ایم و احکام از ماست

(منظور حکم ایشان درباره مشروطه است) و بر هر مُسلم حکم است متابعت و اجرا حتم و واجب است.

شیخ عبدالله مازندرانی نیز توضیح داده است:

در فصل دوم قانون اساسی مندرج است در هر عصر و زمان پنج یا شش نفر یا بیشتر برحسب اقتضا از علمای مجتهدین به تصدیق علما در مجلس شورای ملی عضویت و نظارت داشته تا احکام صادره برخلاف قوانین شرع انور صادر نشود. معذک چگونه می‌توان گفت منافی با قواعد اسلام است؟! خداوند عالم لعنت کند مه‌ترین و معتمدین و تابعین ظلم را. تمام احکام (در حمایت از مشروطه) از ماست و هیچ محل اشتباه نبوده و نخواهد بود و قانون اساسی هم ملاحظه شده است.^{۶۶}

پی نوشت‌ها

۱. جعفر باقر آل محیوبه، ماضی التجف و حاضرها، ج اول، ص ۳۲۶ و نیز بنگرید به: مرآة الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بهبهانی، ج اول، ص ۱۵۴.
۲. محمدتقی سپهر، ناسخ التواریخ، ج اول، ص ۱۵۶.
۳. حبل المتین، سال هفدهم، ش ۱۵، سوم شوال المکرم، ۱۳۲۷ق.
۴. همان، ش ۲۵، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۷ق.
۵. نشریه چهره‌نما، سال پنجم، ش ۶۲، ذی‌قعدة ۱۳۲۶ق.
۶. همان، سال ششم، ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۷ق، ش ۷.
۷. حبل المتین، سال هفدهم، ۱۶ جمادی الثانی ۱۳۲۷ق و نیز سروش، سال دوم، شماره دوم، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۷ق.
۸. اخبار نجف (نجف در اسناد فارسی)، ج ۲، ص ۱۶.
۹. همان، ص ۷ و ۸.
۱۰. همان، ص ۸ و ۹.
۱۱. اخبار نجف، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶.
۱۲. سند شماره ۵۷.
۱۳. نشریه اختر، سال چهاردهم، ش ۳۱، ص ۲۴۴.
۱۴. همان، ش ۳۱، ص ۴۸۴.
۱۵. همان، سال پنجم، ش ۲، ص ۹.
۱۶. نشریه ثریا، سال پنجم، شماره ۱۳، ص ۳ و ۴.
۱۷. سند شماره ۳، ج دوم کتاب، ص ۲۹۶.
۱۸. سند شماره ۷۰، نمره سال ۱۲، اول شعبان ۱۳۲۳ق / ج ۲، ص ۴۳۴.
۱۹. سند شماره ۷۳، ج ۲، ص ۴۴۲.
۲۰. اختر، شماره چهارم، ۲۳ محرم ۱۳۰۸، ص ۲۶.
۲۱. همان، شماره ششم، ۸ صفر ۱۳۰۸، ص ۴۳.
۲۲. خیر الکلام، سال سوم، شماره ۸۱ و ۸۲، ص ۳.
۲۳. اختر، سال سیزدهم، ش ۵۱، ص ۴۰۶ و ۴۰۷.
۲۴. همان، ش ۱۳، ص ۹۱.
۲۵. حبل المتین، سال پانزدهم، ش ۱۰، ص ۱۲.

۲۶. اختر، سال سیزدهم، ش ۱۸، ص ۱۳۹.
۲۷. نشریه جبل المتین، سال ۲۱، شماره اول، ص ۷.
۲۸. ناصری، سال اول، شماره ۱۸، ص ۶.
۲۹. اختر، سال پانزدهم، شماره ۲۱، ص ۱۶۳.
۳۰. وقایع اتفاقیه، ش ۲۳۸، ص ۷.
۳۱. همان، ش ۳۳۰، ص ۶.
۳۲. فارس، سال سوم، ش ۳۵، ص ۱۰ و ۱۲.
۳۳. ذرّه النجف، سال اول، ش ۴ و ۵، ص ۱۵۹ - ۱۶۳.
۳۴. چهره‌نما، سال هشتم، ش ۲، ص ۷ - ۱۰.
۳۵. ندای وطن، سال دوم، ش ۲۲۹، ص ۳.
۳۶. جبل المتین، سال نوزدهم، ش ۳۵، ص ۱ و ۲.
۳۷. پروانه، سال اول، شماره ۱۸، ج اول.
۳۸. جبل المتین، سال ۱۶، ش ۳۶، ص ۲.
۳۹. سروش، سال اول، ش ۷، ص ۸.
۴۰. چهره‌نما، سال هشتم، ش ۲۳، ص ۱۵ و ۱۶.
۴۱. جبل المتین، سال نوزدهم، ش ۲۷، ص ۱۷.
۴۲. انجمن اصفهان، سال سوم، ش ۶۱، ص ۱.
۴۳. نشریه مجلس، سال چهارم، ش ۳۷، ص ۳.
۴۴. جبل المتین، سال سیزدهم، شماره ۳۳، ص ۱۹ - ۲۱.
۴۵. سند شماره ۶۵ ج ۲، ص ۴۲۵.
۴۶. نصرالله صالحی و دیگران، ایران در دوران معاصر، ص ۹۷.
۴۷. سیروس غفاریان و دیگران، تاریخ ایران و جهان، ج ۲، ص ۱۷۸.
۴۸. علی‌اکبر ولایتی و دیگران، تاریخ معاصر ایران، ص ۳۶؛ حسن معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت ایران، ص ۸۷.
۴۹. جبل المتین رشت، سال سوم، ش ۵۳، ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷، ص ۱.
۵۰. همان، سال نوزدهم، ش ۲۹، ص ۶ و ۷.
۵۱. نشریه مجلس، سال چهارم، ش ۴۴، ص ۲.
۵۲. جبل المتین، سال هجدهم، ش ۲۳، ص ۸ و ۹.
۵۳. همان، سال نوزدهم، ش ۲۷، ص ۱۱ و ۱۳.

۵۴. چهره‌نما، سال هفتم، ش ۱۹، ص ۳ و ۴.
۵۵. همان، ش ۲۱، ص ۱۳.
۵۶. جبل‌المتین، سال هجدهم، ش ۳۷، ص ۷ - ۹.
۵۷. آقاجفی قوچانی، سیاحت شرق، ص ۴۶۷ - ۴۶۹؛ عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۰۸، ۱۱۴ و ۱۱۷.
۵۸. خیر الکلام، سال دوم، ش ۲۴، ص ۱ و ۲.
۵۹. جبل‌المتین رشت، سال دوم، ش ۶۳، ص ۲ و ۳.
۶۰. جریده خراسان، سال اول، ش ۵، ص ۱۲.
۶۱. خیر الکلام، سال اول، ش ۷۳، ص ۳.
۶۲. نشریه مجلس، سال چهارم، ش ۱۰۹، ص ۳.
۶۳. انجمن تبریز، سال اول، ش ۱۰۸، ص ۴.
۶۴. حکمت، سال پانزدهم، ش ۸۸۴، ص ۵ و ۶.
۶۵. جبل‌المتین، سال پانزدهم، ش ۳۴، ص ۱۸.
۶۶. جبل‌المتین رشت، سال اول، شماره ۳۶، ص ۲؛ نشریه خراسان، سال اول، شماره ۴۷، ص ۲ و ۳.